

# روم چشم‌انداز را تعیین می‌کند - شماره شش

مناقشات نبوتی در تاریخ ادونتیست‌ها: درک اختلاف میان یوریا اسمیت و جیمز وایت درباره دانیال ۱۱:۳۶

Jeff Pippenger

2024-08-14

ما به بررسی شش محور از مناقشات درباره پیشگویی‌ها می‌پردازیم که در تاریخ ادونتیسم از سال 1798 تا به امروز رخ داده‌اند.

در تاریخ و نبوت، کلام خداوند نبرد دیرپای میان حق و باطل را به تصویر می‌کشد. آن نبرد هنوز در جریان است. آنچه بوده است، تکرار خواهد شد. جدال‌های کهنه احیا خواهند شد، و نظریه‌های نو پیوسته سر برخواهند آورد. اما قوم خدا، که در ایمان خود و در تحقق نبوت‌ها در اعلان پیام‌های سه فرشته، اول، دوم و سوم، سهمی داشته‌اند، می‌دانند کجا ایستاده‌اند. آنان تجربه‌ای دارند گرانبهاتر از طلای ناب. ایشان باید همچون صخره‌ای استوار بایستند و آغاز اطمینان خود را تا به پایان با پایداری نگاه دارند. پیام‌های برگزیده، جلد ۲، ۱۰۹.

مقاله پیشین به نخستین و آخرین مناقشه درباره قدرت روم پرداخت، و اکنون به مناقشه‌ای می‌پردازیم که میان اوریا اسمیت و جیمز وایت رخ داد. اوریا اسمیت «تفسیر خصوصی» خود را در آیه سی‌وششم وارد کرد.

آیه ۳۶. و پادشاه مطابق اراده خود عمل خواهد کرد؛ و خود را برافراشته خواهد ساخت و خود را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد داشت، و سخنانی شگفت بر ضد خدای خدایان خواهد گفت، و تا زمانی که غضب به انجام رسد کامیاب خواهد بود؛ زیرا آنچه مقرر شده است انجام خواهد شد.

«پادشاهی که در اینجا معرفی شده، نمی‌تواند دلالت بر همان قدرتی داشته باشد که آخرین بار بدان اشاره شد؛ یعنی قدرت پاپی؛ زیرا اگر مشخصات بر آن قدرت تطبیق داده شود، معتبر نخواهد بود.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، صفحه ۲۹۲.

اسمیت اذعان کرد که قدرت در آیه پیشین «روم پاپی» بود، اما مدعی است که ویژگی‌های آیه سی‌وششم، ویژگی‌های نبوی مشخص‌کننده روم پاپی نیست. آن ادعا نادرست است. باید به یاد داشت که در سرکشی سال ۱۸۶۳، «هفت زمان» باب بیست‌وششم لاویان کنار گذاشته شد و از این رو، تصویر «هفت زمان» بر هر دو لوح حبقوق رد شد. هر دو نمودار ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ «هفت زمان» را درست در مرکز نمودار نشان می‌دهند، و هر دو تصویر، صلیب را در مرکز خط «هفت زمان» قرار می‌دهند. وقتی نور جدید «هفت زمان» در سال ۱۸۵۶ رسید و پس از آن رد شد، این امر نشانگر رد دو لوح حبقوق و نیز مرجعیت روح نبوت بود؛ روح نبوتی که به روشنی گواهی می‌دهد که هر دو نمودار به وسیله خدا هدایت شده بودند.

به گفته خواهر وایت، آخرین فریب شیطان این است که شهادت روح خدا را بی‌اثر کند، و در اینجا نخستین فریب این بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر کند، و همچنین نشان‌دهنده رد هم‌زمان حقایق بنیادین مندرج در دو نمودار، به‌ویژه هفت زمان، بود.

در جریان شورش سال 1863، این کسی نبود جز اوریا اسمیت که نمودار جعلی 1863 را تهیه کرد که خط «هفت زمان» را حذف کرده بود. تا سال 1863، اوریا اسمیت چشمان خود را بر نور «هفت زمان» بسته بود و قادر نبود ببیند که دو «غضب» وجود دارند که دانیال مشخص می‌کند. این دو غضب

نمایانگر هفت زمان علیه پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی جنوبی یهودا هستند. اولی علیه ده قبیله شمالی در 723 قبل از میلاد آغاز شد و در 1798 پایان یافت، و دومی در 677 قبل از میلاد آغاز شد و در 1844 پایان یافت.

جبرئیل در باب هشتم نزد دانیال آمد تا رویای «مراه» را توضیح دهد و در ارتباط با مأموریتش، گواه دومی بر سال ۱۸۴۴ ارائه کرد. دوره دو هزار و سیصد ساله باب هشتم دانیال در سال ۱۸۴۴ پایان یافت، و همچنین آخرین دو دوره خشم علیه پادشاهی‌های شمالی و جنوبی نیز در ۱۸۴۴ به پایان رسید. و گفت: «اینک، تو را آگاه می‌کنم از آنچه در پایان غضب رخ خواهد داد؛ زیرا در وقت مقرر، پایان خواهد بود.» دانیال ۸:۱۹.

پایان نهایی مستلزم پایانی نخستین است. آخرین آن دو غضب، که صرفاً تعبیر دیگری از «هفت زمان» است، در سال 1844 پایان یافت و غضب نخستین در سال 1798 به پایان رسید. آیه‌ای که اسمیت ادعا کرده بود هیچ مشخصه‌ای از قدرت پاپی ندارد، سال وارد آمدن زخم مرگبار بر نهاد پاپی را مشخص می‌کرد.

و پادشاه بر وفق اراده خود عمل خواهد کرد؛ و خود را برافراشته ساخته، خویشتن را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد نمود، و بر ضد خدای خدایان سخنان عجیب خواهد گفت، و تا زمانی که غضب به انجام آید کامیاب خواهد شد؛ زیرا آنچه مقرر شده است انجام خواهد شد. دانیال ۱۱:۳۶.

«پادشاه» در آیه سی‌وشش «کامیاب خواهد شد تا وقتی که غضب به انجام رسد». توجه کنید اسمیت در همان کتاب درباره دانیال باب هشتم، آیات بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم چه می‌نویسد؛ همان‌جا که ادعا می‌کند قدرت پاپی ویژگی‌های لازم برای انطباق با آیه سی‌وشش را ندارد.

آیه ۲۳. و در اواخر دوران پادشاهی ایشان، زمانی که گناهکاران به اوج خود برسند، پادشاهی با چهره‌ای خشن و فهمنده سخنان مبهم برخواهد خاست. ۲۴. و قدرت او عظیم خواهد بود، اما نه به نیروی خود؛ و به‌گونه‌ای شگفت‌نابود خواهد کرد، کامیاب خواهد شد و اقدام خواهد کرد، و زورمندان و قوم مقدس را نابود خواهد ساخت. ۲۵. و نیز با سیاست خود، نیرنگ را در دست خویش کامیاب خواهد ساخت؛ و در دل خود خویشتن را بزرگ خواهد شمرد، و به‌وسیله صلح بسیاری را نابود خواهد کرد؛ و همچنین بر ضد سرور سروران برخواهد خاست؛ اما بی‌دخالت دست درهم شکسته خواهد شد.

این قدرت در اواخر دوران پادشاهی آنان، یعنی در آستانه پایان کارشان، جانشین چهار بخش پادشاهی بزمی می‌شود. بدیهی است که همان شاخ کوچک آیه ۹ و پس از آن است. اگر آن را، چنان‌که در توضیحات مربوط به آیه ۹ بیان شده، بر روم تطبیق دهیم، همه چیز سازگار و روشن می‌شود.

«پادشاهی با چهره‌ای خشن.» موسی، در پیشگویی کیفی که از همین قدرت بر یهودیان خواهد آمد، آن را «امتی با چهره‌ای خشن» می‌خواند. تثنیه 28:49، 50. هیچ قومی در آرایش جنگی هیبتی هراس‌انگیزتر از رومیان نداشت. «فهم سخنان دشوار.» موسی در همان نوشتاری که به آن اشاره شد، می‌گوید: «زبانی که تو آن را نخواهی فهمید.» این سخن درباره بابلیان، پارسیان یا یونانیان نسبت به یهودیان صادق نبود؛ زیرا زبان‌های کلدانی و یونانی کمابیش در فلسطین به کار می‌رفتند. اما چنین چیزی درباره زبان لاتین صادق نبود.

«وقتی که پیمانۀ گناهکاران پر شود.» همواره پیوند میان قوم خدا و ستمگرانشان در نظر بوده است. به سبب گناهان قوم او بود که آنان به اسارت فروخته شدند، و تداوم گناهشان مجازاتی شدیدتر به بار آورد. هرگز یهودیان، به‌عنوان یک ملت، از نظر اخلاقی فاسدتر از زمانی نبودند که زیر اقتدار رومیان درآمدند.

«نیرومند، اما نه به نیروی خویش.» موفقیت رومیان تا حد زیادی مرهون کمک متحدانشان و اختلافات میان دشمنانشان بود، که آنان همواره آماده بودند از آن‌ها بهره‌برداری کنند. رم پاپی نیز به وسیله قدرت‌های دنیوی که بر آن‌ها سلطه معنوی اعمال می‌کرد، نیرومند بود.

«او به طرزی شگفت‌آور نابود خواهد کرد.» خداوند به واسطه پیامبر حزقیال به یهودیان گفت که ایشان را به دست مردانی تسلیم خواهد کرد که «در نابود کردن ماهرند»؛ و کشتار یک میلیون و صد هزار یهودی در هنگام ویرانی اورشلیم به دست سپاه روم، تأییدی هولناک بر سخنان آن پیامبر بود. و روم در مرحله دوم خود، یعنی دوره پاپی، مسئول مرگ پنجاه میلیون شهید بود.

و نیز به واسطه سیاستش، نیرنگ در دستش کامیاب خواهد شد. روم بیش از همه قدرت‌ها به سبب سیاستی حيله‌گرانه ممتاز بوده است؛ سیاستی که به وسیله آن ملت‌ها را زیر سلطه خود آورد. این امر هم درباره روم بت‌پرست و هم روم پاپی صادق است. و بدین‌سان به وسیله صلح، بسیاری را نابود کرد.

و روم، سرانجام، در شخص یکی از والیان خود، بر ضد شاهزاده شاهزادگان برخاست، با صادر کردن حکم مرگ علیه عیسی مسیح. «اما بدون دست شکسته خواهد شد»، تعبیری که نابودی این قدرت را با درهم‌کوبیده شدن مجسمه باب دوم یکی می‌داند. اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۲۰۲-۲۰۴.

اسمیت دو بار در این بخش تصریح می‌کند که ویژگی‌های نبوتی روم و ثنی و روم پاپی قابل جایگزینی با یکدیگرند، زیرا آن‌ها صرفاً نمود روم در دو مرحله آن هستند؛ مانند آمیختگی آهن و گل در باب دوم کتاب دانیال که خواهر وایت آن را نمادهای حيله‌گری کلیسایی و دولتی می‌داند. وقتی دانیال در آیاتی که اسمیت به آن‌ها می‌پردازد می‌گوید که روم «کامیاب خواهد شد و عمل خواهد کرد» و نیز اینکه روم «حيله را در دست او کامیاب خواهد ساخت»، اسمیت ادعا می‌کند که در آیه سی‌وشش، «پادشاهی» که «تا هنگامی که غضب به انجام رسد کامیاب خواهد شد»، یک ویژگی نبوتی هر دو روم و ثنی و پاپی را معرفی می‌کند. سپس او ادعا می‌کند که هیچ‌یک از ویژگی‌های روم در آیه سی‌وشش به قدرت پاپی اشاره ندارد.

ما در تأیید این شناسایی که روم همان راهزنانی است که رویا را تحقق می‌بخشند، به اسمیت استناد کرده‌ایم، و یکی از چهار ویژگی نبوی در آیه چهاردهم این است که روم خود را بزرگ می‌سازد.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخواهند خاست؛ و نیز غارتگران قوم تو خود را بلند خواهند ساخت تا رویا را استوار سازند، اما فرو خواهند افتاد. دانیال ۱۱:۱۴.

اسمیت ادعا می‌کند که ویژگی‌های پادشاه در آیه سی‌وشش با قدرت پاپی همخوانی ندارد، هرچند پیش‌تر دفاع کرده بود که در آیه چهاردهم این روم است که خود را برمی‌افرازد. با این حال، پادشاه آیه سی‌وشش «خود را بزرگ خواهد کرد». همان پادشاه در آیه سی‌وشش «سخنان شگفت‌انگیزی علیه خدای خدایان خواهد گفت». در دانیال، قدرت پاپی «سخنان بزرگ بر ضد خدای متعال خواهد گفت»، و در کتاب مکاشفه، قدرت پاپی به خدای متعال کفر می‌گوید.

و به او دهانی داده شد که سخنان بزرگ و کفرگویی‌ها می‌گفت؛ و به او قدرت داده شد تا چهل و دو ماه ادامه دهد. و دهان خود را به کفرگویی بر ضد خدا گشود، تا نام او و خیمه او و آنان را که در آسمان ساکن‌اند کفر گوید. مکاشفه ۵:۱۳، ۶.

هر ویژگی پیش‌گویانه قدرت پاپی در آیه سی‌وششم مشخص شده است.

و پادشاه بر وفق اراده خود عمل خواهد کرد؛ و خود را برافراشته ساخته، خویشتن را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد نمود، و بر ضد خدای خدایان سخنان عجیب خواهد گفت، و تا زمانی که غضب به انجام آید کامیاب خواهد شد؛ زیرا آنچه مقرر شده است انجام خواهد شد. دانیال ۱۱:۳۶.

مفسران بشری در بسیاری موارد قابل اعتماد نیستند، اما بسیاری از مفسران ادونتیسیت بر این حقیقت آشکار گواهی می‌دهند که آیه سی‌وششم همان چیزی بود که رسول پولس در رساله دوم به تسالونیکیان، هنگامی که درباره مرد گناه سخن می‌گفت، نقل به مضمون می‌کرد.

مگذارید کسی به هیچ وجه شما را فریب دهد، زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر آنکه نخست ارتدادی روی دهد و آن مرد گناه، پسر هلاکت، آشکار شود؛ کسی که با هر آنچه خدا نامیده می‌شود یا پرستیده می‌شود مخالفت می‌کند و خود را برتر از همه می‌افرازد، چنان که در هیکل خدا چون خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند. دوم تسالونیکیان ۲:۲، ۳.

آیه سی‌وششم می‌گوید که «او خود را برافراشته خواهد ساخت و خویشتن را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد شمرد»، و پولس می‌گوید: «آن مرد گناه، پسر هلاکت، آشکار خواهد شد؛ کسی که مخالفت می‌کند و خود را فراتر از هر آنچه خدا خوانده می‌شود یا مورد پرستش است، برمی‌افرازد.» آشکارا اسمیت هیچ اقتدار نبوی نداشت که ادعا کند پادشاه آیه سی‌وششم با پادشاهی که در آیات منتهی به آیه سی‌وششم مورد بحث است، متفاوت است. از نظر نحوی هیچ توجیهی برای آن تطبیق نادرست نداشت، و ادعایش مبنی بر اینکه چون آیه سی‌وششم هیچ ویژگی‌ای از قدرت پاپی ندارد چنین کرده است، چیزی جز تحریف کتاب مقدس نبود، در تلاشی برای به کرسی نشاندن تفسیری شخصی.

و ما نیز کلام نبوتی استوارتر داریم؛ نیکوست اگر بدان توجه نمایید، چنان که به چراغی که در جای تاریک می‌تابد، تا روز بدمد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند. نخست این را بدانید که هیچ نبوتی از کتاب مقدس، حاصل تفسیر شخصی نیست. زیرا نبوت در زمان قدیم از اراده انسان پدید نیامد، بلکه مردان مقدس خدا، چون از روح القدس برانگیخته می‌شدند، سخن گفتند. دوم پطرس ۱۹:۱-۲.

در سال‌های ادونتیسیم لائودیکی، الهی‌دانان، شبانان و نویسندگان ادونتیسیت بسیاری به این پرسش پرداخته‌اند که آیا تطبیق اسمیت را درست می‌دانند یا نادرست. یک شبان استرالیایی به نام لوئیس ور، که سال‌هاست درگذشته، بخش عمده خدمت خود را صرف مخالفت با الگوی نبوی نادرست اسمیت کرد. دلیل مخالفت او صرفاً این نبود که اسمیت در نهایت پادشاهی را که در آیه چهل‌وپنج به پایان می‌رسد، ترکیه دانست، بلکه چارچوب تفسیری اسمیت همچنین به یک تطبیق نادرست آرمادون انجامید. در دهه ۱۹۸۰ یا حوالی آن، نویسنده‌ای ادونتیسیت کتابی با عنوان «ادونتیسیت‌ها و آرمادون، آیا نبوت را بد فهمیده‌ایم؟» نگاشت. نام نویسنده دونالد منسل است و این کتاب هنوز در دسترس است.

منسل سیر تاریخی منتهی به جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم را دنبال می‌کند و نشان می‌دهد که وقتی در پیش بودن آن دو جنگ احساس می‌شد، مبلغان ادونتیسیت به به‌کارگیری برداشت نادرست اسمیت روی آوردند که پیشروی ترکیه به سوی اورشلیم واقعی را نشانه‌ای از آرمادون و پایان جهان می‌دانست. او با استناد به فهرست‌های عضویت کلیسا نشان می‌دهد که با نزدیک شدن هر یک از آن جنگ‌ها، افراد بسیاری به عضویت کلیسای ادونتیسیت درآمدند؛ بر پایه تأکیدات نبوی مبلغان که از دیدگاه معیوب اسمیت درباره آرمادون برگرفته شده بود.

وقتی هر یک از جنگ‌ها پایان یافت و پیش‌بینی‌های نادرست به وقوع نپیوستند، کلیسا اعضای بیشتری را از دست داد تا آنچه از الگوی نبوی ساخته اسمیت به دست آورده بود.

در نتیجه رد پیام بنیادین میلری‌ها از سوی اسمیت و تمایل او به ترویج تفسیر شخصی‌اش از آیات سی و شش تا چهل و پنج کتاب دانیال، منطق اسمیت الگویی نبوی مبتنی بر وقایع روز پدید آورد.

در بحث میان اسمیت و جیمز وایت دربارهٔ پادشاهی که در آخرین آیهٔ باب یازدهم دانیال به پایان خود می‌رسد، جیمز وایت منطقی عرضه کرد که به اختصار بنیان نبوتی سست اسمیت را نمایان ساخت. وایت تعلیم می‌داد که "پیشگویی تاریخ را پدید می‌آورد، اما تاریخ پیشگویی را پدید نمی‌آورد".

مبلغان ادونتیسیم که پیش از هر دو جنگ فعالیت می‌کردند، از روند در حال تحول تاریخ بهره گرفتند تا مدل نبوی معیوب اسمیت دربارهٔ آرماگدون را مطرح کنند، و کارشان که تا پیش از جنگ‌ها بسیار پربرکت به نظر می‌رسید، هنگامی که نشان داده شد آن مدل نبوی بر تعبیر شخصی استوار است، در مجموع به زیان انجامید.

از پیامبران دروغین برحذر باشید که نزد شما با لباس می‌آیند، اما در باطن گرگ‌هایی درنده‌اند. ایشان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا مردم از خار انگور می‌چینند یا از علف‌های هرز انجیر؟ همچنین هر درخت نیکو میوه نیکو به بار می‌آورد؛ اما درخت فاسد میوه بد به بار می‌آورد. درخت نیکو نمی‌تواند میوه بد به بار آورد و نه درخت فاسد می‌تواند میوه نیکو به بار آورد. هر درختی که میوه نیکو به بار نیاورد بریده می‌شود و در آتش افکنده می‌شود. پس از میوه‌هایشان ایشان را خواهید شناخت. متی ۷:۱۵-۲۰.

تمایل اسمیت به ترویج یک الگوی نبوی شخصی درباره پادشاه آیه سی‌وششم، به ایجاد تطبیق نادرست بلای ششم و آرماگدون نیز انجامید.

و فرشته ششم کاسه خود را بر رود بزرگ فرات ریخت؛ و آب آن خشک شد تا راه پادشاهان مشرق آماده گردد. و سه روح ناپاک را که مانند قورباغه بودند دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب بیرون آمدند؛ زیرا ایشان ارواح شیاطین‌اند که معجزه می‌کنند و نزد پادشاهان زمین و سراسر جهان می‌روند تا آنان را برای جنگ آن روز بزرگ خدای قادر مطلق گرد آورند. اینک چون دزد می‌آیم. خوشا به حال کسی که بیدار است و جامه خود را نگاه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و شرمش دیده شود. و آنان را در مکانی که به عبری هارمجدون نامیده می‌شود گرد آورد. مکاشفه ۱۲:۱۶-۱۶.

چنان‌که پیش‌تر یادآور شدیم، ششمین بلا پس از پایان مهلت بشر فرا می‌رسد؛ پس هشدار «جامه‌های خود را نگاه دارید» باید به مسئله‌ای آزمون‌گونه اشاره کند که پیش از آن رخ می‌دهد که میکائیل برمی‌خیزد و مهلت بشر بسته می‌شود و نخستین بلا آغاز می‌گردد. ششمین بلا فعالیت‌های اژدها، وحش و پیامبر دروغین را مشخص می‌کند؛ همان اتحاد سه‌گانه‌ای که در قانون قریب‌الوقوع یکشنبه گرد هم می‌آید. این اتحاد سه‌گانه همان روم مدرن است، و نمادی که اتحاد سه‌گانه روم مدرن را شناسایی و تثبیت می‌کند، «غارتگران قوم تو» هستند که «برای استوار ساختن رؤیا خود را بلند می‌کنند» و «می‌افتند».

هشدار بلای ششم، وقتی فهمیده شود، به جان اجازه می‌دهد جامه‌هایش را حفظ کند؛ اما اگر رد شود، جان را برهنه می‌گذارد، که یکی از پنج ویژگی اهل لاودیکیه است. نمادی که آن هشدار را تثبیت می‌کند، همان راهزنان قوم تو هستند که خود را برمی‌افرانند و سرانجام سقوط می‌کنند. سلیمان گفت اگر قوم خدا آن بینش را نداشته باشد، هلاک می‌شود.

در جایی که مکاشفه‌ای نیست، قوم هلاک می‌شود؛ اما هر که شریعت را پاس می‌دارد، خوشبخت است. امثال ۱۸:۲۹.

واژهٔ عبری «perish» به معنای «برهنه کردن» است، و یوحنا ثبت کرده است: «خوشا به حال کسی که بیدار است و جامه‌های خود را نگاه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و شرمساری‌اش را ببینند.» اسمیت دربارهٔ «پادشاه شمال» در اشتباه بود، و آن بنیاد نبوتی کاذب به او اجازه داد تا کاربردی نبوتی را توسعه دهد که، اگر پذیرفته شود، به برهنگی می‌انجامد؛ که نمادی است از لاودیکیان، که از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شوند.

اسمیت هیچ ابایی نداشت که تعیین هویت تازه و نادرست خود از «پادشاه شمال» را در برابر شوهر نبیه، جیمز وایت، مطرح کند و از آن دفاع نماید. مورخان ادونتیست و خواهر وایت به اختلاف مشهورشان پرداخته‌اند. الن وایت هم شوهرش و هم اسمیت را تویخ کرد، زیرا اجازه داده بودند اختلاف نظرشان دربارهٔ اینکه «پادشاه شمال» در باب یازدهم کتاب دانیال نماینده چه کسی بود، در معرض عموم قرار گیرد. در نخستین نشریه ادونتیست پس از سرخوردگی بزرگ سال ۱۸۴۴، جیمز وایت نوشت:

این‌که عیسی در ماه هفتم 1844 برخاست، در را بست، و نزد قدیم‌الایام آمد تا پادشاهی خود را دریافت کند، کاملاً باور دارم. رجوع کنید به لوقا 13:25؛ متی 25:10؛ دانیال 7:13، 14. اما برخاستن میکائیل، دانیال 12:1، به نظر می‌رسد واقعه‌ای دیگر، برای منظوری دیگر باشد. برخاستن او در 1844 برای بستن در و آمدن نزد پدرش بود تا پادشاهی خود و قدرت سلطنت را دریافت کند؛ اما برخاستن میکائیل برای آشکار ساختن قدرت پادشاهی اوست، که هم‌اکنون آن را دارد، در نابودی شریران و در رهایی قومش. میکائیل زمانی برخواهد خاست که آخرین قدرت در فصل 11 به پایان خود برسد و کسی به یاری او نیاید. این قدرت، آخرین قدرتی است که کلیسای حقیقی خدا را پایمال می‌کند؛ و چون کلیسای حقیقی هنوز هم به دست تمامی دنیای مسیحیت پایمال و رانده می‌شود، پس نتیجه می‌شود که آن قدرت ستمگر آخر هنوز «به پایان خود نرسیده است»، و میکائیل نیز هنوز برنخاسته است. این قدرت آخر که مقدسان را پایمال می‌کند، در مکاشفه 13:11-18 به تصویر کشیده شده است. عدد 666 است. جیمز وایت، کلامی به گله کوچک، 8.

وقتی اسمیت آنچه را «نور تازه» می‌نامید، دربارهٔ موضوع «قدرت نهایی در باب یازدهم دانیال» مطرح کرد، جیمز وایت تطبیق اسمیت را نه «نور تازه»، بلکه حمله‌ای به بنیادها دانست. جدال مربوط به روم به‌عنوان پادشاه شمال در باب یازدهم دانیال که میان اوریا اسمیت و جیمز وایت درگرفت، ویژگی‌های مشخصی دارد که ما، به‌عنوان پژوهندگان نبوت، باید آن‌ها را با دیگر منازعات تاریخ ادونتیست‌ها دربارهٔ نماد روم کنار هم بگذاریم.

یکی از آن ویژگی‌ها، معرفی یک تفسیر شخصی است. ویژگی دیگر این است که به‌کارگیری آن تفسیر شخصی مستلزم تحریف دستور زبان ساده است، زیرا اسمیت نه‌تنها نادیده گرفت که هر ویژگی پیشگویانه در آیه سی‌وششم معطوف به روم است، بلکه این را نیز نادیده گرفت که ساختار دستوری ایجاب می‌کند که پادشاه آیه سی‌وششم همان پادشاه باشد که در بخش پیشین معرفی شده است.

یکی دیگر این است که آن تفسیر شخصی، ردّ حقایق بنیادین بود. دیگری این است که آن نمایانگر ردّ اقتدار روح نبوت است. ویژگی دیگر این است که نخستین ایده معیوب دربارهٔ روم به مدلی نبوی می‌انجامد که با نزدیک شدن به پایان دوران آزمایش بشر، به شخص اجازه نمی‌دهد جامه‌های خود را نگاه دارد. مورد دیگر آمادگی او برای ترویج علنی تفسیر شخصی‌اش بود. دیگری این است که تفسیر شخصی همواره به‌عنوان «نور تازه» معرفی می‌شود. تمام این ویژگی‌ها در بحث کنونی دربارهٔ «غارنگران قوم تو» مشهود است.

هنگامی که آخرین مناقشهٔ روم، که نمونهٔ آن نخستین مناقشهٔ روم بود که «غارنگران قوم تو» را شناسایی می‌کرد، در کنار خط سیر نبوتی مناقشهٔ اوریا اسمیت و جیمز وایت نهاده شود، خواهیم

دید که یک گروه الگوی نبوتی خود را بر تفسیری خصوصی بنا می‌کنند که حقیقت بنیادین را رد می‌کند.

رد حقایق بنیادین خودبه‌خود نشان‌دهندهٔ رد مرجعیت روح نبوت است؛ روحی که با استحکام از همان حقایق بنیادین دفاع می‌کند. آن گروه همچنین حاضر خواهند بود دیدگاه خود را علناً مطرح کنند، صرف‌نظر از هر نگرانی‌ای که ممکن است دربارهٔ تأثیری که این تعلیم می‌تواند بر قوم خدا در سراسر جهان بگذارد مطرح شود.

بلافاصله پس از ۱۸۴۴، در نخستین نسل ادونتیسیم، مناقشهٔ دیگری دربارهٔ رُم مطرح شد. آن مناقشهٔ همچنان دامن زده می‌شد تا اینکه دیدگاه نادرست در نسل سوم ادونتیسیم پذیرفته شد. ما مناقشهٔ «دائمی» را به‌عنوان چهارمین خط از شش خطی که اکنون در الگوی «خط بر خط» در حال بررسی آن هستیم، در نظر خواهیم گرفت.

اما پیش از آن‌که به خط چهارم مناقشات روم بپردازیم، باید به خاطر داشت که در مقالهٔ پیشین، هنگامی که به آیهٔ ده باب یازدهم دانیال می‌پرداختیم، گفتیم: «آیهٔ ده همچنین "هفت زمان" لایوان باب بیست‌وشش را به تاریخ پنهان مستقیماً پیوند می‌دهد، اما آن خط حقیقت خارج از آن چیزی است که ما در اینجا مطرح می‌کنیم.»

اوریا اسمیت پیشگام در رد «هفت زمان» در سال ۱۸۶۳ بود. او پیش‌تر افزایش دانش دربارهٔ آن موضوع را که در مقالاتی به قلم‌هایرام ادسون عرضه و در سال ۱۸۵۶ در نشریهٔ ریویو منتشر شده بود، رد کرده بود. بررسی پیامدهای این‌که اسمیت با جنبشی مرتبط بود که «هفت زمان» را مطرح می‌کرد، اما سپس افزایش دانش همان موضوع را رد کرد، نیز خارج از بحث ویژگی‌های ارائهٔ آنچه او ادعا می‌کرد نور تازه‌ای دربارهٔ موضوع «پادشاه شمال» است؛ اما وقتی مرور خود را بر سلسله مناقشات ادونتیسیت‌ها دربارهٔ روم به پایان رسانیم، به هر دو موضوع بازخواهیم گشت: هم اهمیت آیهٔ دهم باب یازدهم دانیال، و هم آنچه رد پیام لاودیکیه‌ای از سوی اسمیت نمایانگر آن است؛ پیامی که در سال ۱۸۵۶ همراه با افزایش دانش دربارهٔ «هفت زمان» رسید.

"ایمان ما در ارتباط با پیام‌های فرشتهٔ اول، دوم و سوم صحیح بود. نشان‌های بزرگ راهی که از آن‌ها گذشته‌ایم، تکان‌ناپذیرند. با اینکه سپاهیان جهنم ممکن است بکوشند آن‌ها را از بنیادشان برکنند و با این خیال که موفق شده‌اند شادمان شوند، با این همه، موفق نمی‌شوند. این ستون‌های حقیقت همچون کوه‌های جاودان استوار ایستاده‌اند و با همه تلاش‌های انسان‌ها، همراه با شیطان و لشکریانش، متزلزل نمی‌گردند. ما می‌توانیم بسیار بیاموزیم، و باید پیوسته کتاب مقدس را تفتیش کنیم تا ببینیم آیا این امور چنین است." Evangelism, ۲۲۳.

نشانه‌های بزرگ حقیقت، که موقعیت ما را در تاریخ نبوت به ما نشان می‌دهند، باید به‌دقت پاسداری شوند، مبادا از میان برداشته شوند و با نظریه‌هایی جایگزین شوند که به‌جای نور حقیقی، سردرگمی به بار می‌آورند. پیام‌های برگزیده، جلد ۲، ۱۰۱، ۱۰۲.

در این زمان کوشش‌های فراوانی برای متزلزل کردن ایمان ما نسبت به مسئلهٔ مقدس‌گاه صورت خواهد گرفت؛ اما ما نباید دستخوش تزلزل شویم. نباید حتی سرسوزنی از بنیادهای ایمان‌مان جابه‌جا شود. حقیقت همچنان حقیقت است. کسانی که دچار تردید می‌شوند به سوی نظریه‌های نادرست رانده خواهند شد و سرانجام خود را نسبت به شواهد گذشته‌ای که دربارهٔ حقیقت در دست داشته‌ایم بی‌ایمان خواهند یافت. نشانه‌های دیرین راه باید محفوظ بمانند تا جهت خود را از دست ندهیم. انتشارهای دست‌نوشته‌ها، جلد ۱، صفحه ۵۵